بازداشت مرد زن‌نمای فالگیر

مرد زن نمای فالگیر که با فریب افراد در اینستاگرام، آنها را به دام می‌انداخت و به کلاهبرداری دست می‌زد، بازداشت شد.

سرهنگ مرتضی ابوطالبی، رئیس پلیس فتای یزد به ایسنا گفت: زنی با حضور در پلیس فتا شکایتی کرد مبنی بر این‌که با رمالی در کانال تلگرام آشنا شده و او به بهانه نوشتن نسخه‌هایی مربوط به درمان ناباروری وی از این زن پنج میلیون تومان خواسته و او دو میلیون را پرداخته و سه میلیون تومان را نیز از خواهرش قرض کرده و به رمال داده است. اما نسخه‌های رمال اثر نکرده و از او به اتهام کلاهبرداری شکایت کرده است. رمال زن‌نما دستگیر شد. با تحقیق از او معلوم شد که وی شاکی و چند نفر دیگر را ابتدا در اینستاگرام با جازدن خودش به عنوان خانم شناسایی و طرح دوستی ریخته و بعد از دریافت اطلاعات زندگی آنها مدتی بعد به‌عنوان خانم رمال یك کانال تلگرامی راه‌اندازی و آنها را به دام انداخته و به بهانه فروش نسخه‌های خوشبختی و درمان ناباروری از خانم‌ها کلاهبرداری کرده است.

دادگاه متهمان قتل علیرضا شیرمحمدعلی برگزار شد

جزئیات محاکمه پرونده قتل در زندان فشافویه

متهمان پرونده قتل در زندان فشافویه که علیرضا شیرمحمدعلی را با ۳۰ ضربه تیزی کشته بودند، دیروز محاکمه شدند. متهم ردیف دوم در جلسه دادگاه مدعی شد، انگیزه شان از قتل بازگشت به زندان رجایی شهر بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، قربانی این جنایت علیرضا شیرمحمدعلی ۲۱ ساله بود که ۲۴ تیر ۹۷ بازداشت و به اتهام توهین به مقدسات، توهین به مسؤولان رده‌بالای نظام و تبلیغ علیه نظام از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به هشت سال زندان محکوم شد. وی به حکم صادره اعتراض کرد و قرار بود ۱۸ تیر امسال دادگاه تجدید نظر برگزار شود، اما ۲۰ خرداد امسال در زندان تهران بزرگ کشته شد. قاتلان وی که به اتهام قتل در زندان بودند یکباره به وی حمله کردند و با ۳۰ ضربه تیزی و سرامیك شکسته وی را کشتند.

دو قاتل در اعترافات اولیه گفتند بدون خصومت قبلی به علیرضا حمله کردند و او را کشتند تا بار دیگر به زندان رجایی شهر منتقل شوند.

متهم ردیف اول که پیش از این سابقه دو قتل را در پرونده اش داشت، گفت: در زندان رجایی شهر می‌توانستیم کلاهبرداری کنیم، اما در اینجا این کار سخت بود. به همین خاطر تصمیم به قتل گرفتیم تا به رجایی شهر برگردیم.

پرونده این جنایت به شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد تا به آن رسیدگی شود. متهمان دیروز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی بابایی و با حضور دو قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه قاضی شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی کیفرخواست را خواند. در ادامه اولیای دم خواستار قصاص برای قاتل و اشد مجازات برای متهم ردیف دوم شدند.

سپس دو متهم به دفاع پرداختند. متهم ردیف اول که متولد سال ۶۱ است، گفت چیزی از ماجرا به خاطر ندارد و نمی‌دانم چرا و چگونه قربانی را کشته است. اما متهم ردیف دوم وقتی به اتهام معاونت در قتل در جایگاه ویژه ایستاد به تشریح ماجرا پرداخت و حتی جزئیات ضرباتی را که همدستش به قربانی زده بود، برای قضات بیان کرد.

وی گفت: ما هیچ خصومتی با قربانی نداشتیم و فقط می‌خواستیم یك نفر را بکشیم تا بار دیگر به زندان رجایی شهر منتقل شویم. به خاطر کلاهبرداری در زندان رجایی شهر به ندامتگاه تهران منتقل شدیم و تنها انگیزه ما از قتل بازگشت دوباره به زندان رجایی شهر بود. وی افزود: من با سرامیک شکسته سدراه زندانیان دیگر شده و دوستم با تیزی دست‌ساز مرتکب قتل شد.

بعد از دفاعیات دو متهم و وکلای آنها که حدود سه ساعت طول کشید، قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده حکم صادر کنند.

متهمان قتل در زندان مرکزی تهران دیروز به صورت علنی محاکمه شده و با درخواست قصاص اولیای دم روبه‌رو شدند

زن جوان در آتش خشم شوهر آتش‌نشان سوخت

مرد آتش‌نشان وقتی فهمید همسرش با ۶۰۰ میلیون تومان پس‌انداز او طلا خریده است، زن جوان را خفه کرد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۷ و ۳ دقیقه دیروز. شنبه. مرد ۴۶ ساله‌ای با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و مدعی شد همسرش را به قتل رسانده است. در ادامه ماموران کلانتری مرزداران راهی خانه این مرد در میدان آرش شده و پس از ورود به آپارتمان شماره سه با جسد زن جوانی روبه‌رو شدند که صورتش خونین بود و رد کبودی روی گردنش مشاهده می‌شد. متهم به قتل و پسر ۱۲ ساله‌اش در محل جنایت حضور داشتند که ماموران در ابتدا به تحقیق از پسر مقتول پرداختند. پسر ۱۲ ساله که شوکه بود، به ماموران گفت: پدر و مادرم گاهی با هم درگیری و اختلاف داشتند. دیشب من پیش مادرم خوابیدم و پدرم در اتاق من خوابید. صبح ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه از خواب بیدار شدم اما مادرم در اتاق نبود. از اتاق خواب بیرون آمدم و متوجه درگیری پدر و مادرم شدم. پدرم عصبانی بود و با مشت به صورت مادرم ضربه می‌زد. دست پدرم را گرفتم تا مانع کارش شوم اما مرا به سمتی پرت کرد و وقتی مقاومتم را دید، به داخل اتاق انداخت و در را به رویم قفل کرد. با لوله جاروبرقی شروع به ضربه زدن به در کردم و بعد از ۲۰ دقیقه در را شکستم. وقتی بیرون آمدم، پدرم در آشپزخانه در حال نوشیدن آب بود. به سمت پذیرایی رفتم و با جسد مادرم روبه‌رو شدم که صورتش خونی بود. تلفن خانه را برداشتم تا با پلیس تماس بگیرم که پدرم گوشی تلفن را از دستم گرفت و شکست. چند دقیقه بعد خودش با اورژانس و پلیس تماس گرفت.

ماموران کلانتری سپس به تحقیق از مرد همسرکش پرداختند که او با اعتراف به قتل همسرش گفت: سال ۷۹ با همسرم که کارمند بانك بود، آشنا شده و ازدواج کردیم. با هم اختلاف زیادی داشتیم و همسرم رفتار خوبی با من نداشت، به‌طوری که باعث دق کردن مادرم شد. در همان سال‌های ابتدایی زندگی، یك بار بعد از دعوا با همسرم، او مرا از خانه بیرون انداخت که تصمیم به طلاق گرفتم اما بعد از مدتی دوباره آشتی کردیم. در این سال‌ها همسرم هیچ توجهی به من نداشت و همیشه پسرمان را علیه من تحریك می‌کرد. او خودش را رئیس خانه می‌دانست و به نظرات من توجهی نمی‌کرد و فقط تصمیمات خودش مهم بود.

مرد ۴۶ ساله ادامه داد: در آتش‌نشانی کار می‌کردم و در این سال‌ها ۶۰۰ میلیون تومان جمع کرده بودم. پول‌ها را به همسرم دادم تا برایم دلار بخرد. هفته قبل به او گفتم پولم را پس بده اما از این کار خودداری کرد و مدعی شد با این پول طلا خریده است. این رفتارها باعث شد روزهایی که شیفت نبودم به باغ پدرم یا خانه خواهرم بروم.

متهم به قتل درباره قتل همسرش هم گفت: صبح که از خواب بیدار شدم از همسرم خواستم پولم را برگرداند تا بتوانم بدهی‌هایم را بدهم اما دوباره مخالفت کرد. با هم درگیر شدیم و چند ضربه به صورتش زدم. پسرم دخالت کرد که او را در اتاقی زندانی کردم. بند کیف مشکی‌ام را دور گردنش انداختم و فشار دادم. چند بار از کشتن او منصرف شدم اما وقتی بند را رها می‌کردم شروع به تهدید می‌کرد و می‌گفت: «حسابت را می‌رسم.» وقتی به خودم آمدم روی زمین افتاد و نفس نمی‌کشید. شوکه شده بودم. آب خوردم و با اورژانس تماس گرفتم اما دیر شده بود.

سرهنگ علی‌آقا طیبی-رئیس کلانتری مرزداران-با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم با دستور مقام قضایی در بازداشت است.

قتل مردی که طلبش را می‌خواست

مرد معتاد زمانی که برای دریافت طلبش به بوستان شقایق تهران رفت، در درگیری با بدهکار و دوستانش به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت یك و ۱۵ دقیقه بامداد شنبه ۲۹ تیر امسال، یکی از ماموران مستقر در بیمارستان امیرالمومنین(ع) با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از فوت مشکوك مرد ۳۵ ساله‌ای خبر داد. با دستور بازپرس جنایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی موضوع در بیمارستان حاضر شدند. تحقیقات اولیه نشان داد که او بر اثر ضربه چاقو در درگیری با افرادی در بوستان شقایق زخمی شده و از سوی اورژانس به بیمارستان منتقل شده، اما به دلیل شدت خونریزی فوت کرده است. در بررسی وسایل همراه مقتول مدرك هویتی او به دست آمد. همزمان با تشکیل پرونده قضایی در دادسرای جنایی تهران دستور تحقیقات برای شناسایی خانواده مقتول و ثبت شکایت آنها و نیز دستگیری عامل یا عاملان این جنایت آغاز شد. در ادامه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران با حضور در محل درگیری خونین که بوستان شقایق بود به تحقیق از افراد حاضر در پارك پرداختند که معلوم شد آن شب مقتول همراه دو نفر دیگر در بوستان بوده که با سه مرد درگیر شده‌اند و یکی از آنها وی را به قتل رسانده است.

ماموران با به دست آوردن هویت دوستانش جست‌وجو برای یافتن آنها را آغاز کردند، دو نفرشان که میانسال بودند بازداشت شدند و نفر سوم هم خود معرف به پلیس آگاهی آمد. دوستان مقتول در جریان تحقیقات گفتند که او بابت طلبی که داشته با مرد بدهکار و دو همراه او درگیر شده و فرد بدهکار او را به قتل رسانده است. سه دوست مقتول پیش از ظهر شنبه برای ادامه تحقیقات به دادسرای جنایی تهران منتقل شدند.

فرید از دوستان مقتول به بازپرس جنایی گفت: یك ماه پیش زمانی که برای مصرف مواد و دیدن دوستانم به خانه مردی معروف به عمو شهرام می‌رفتیم در آنجا با مقتول آشنا شدم. شنیده بودم که مقتول در کار سرقت بوده و تحت تعقیب قرار دارد. شب حادثه دوباره به خانه عمو شهرام آمد که من هم آنجا بودم. او به ما گفت از فردی پول طلب دارد و با وی در بوستان شقایق قرار دارد تا پولش را بگیرد، از ما خواست با او برویم. من، دوستم و عمو شهرام و مقتول سوار پراید شده و به بوستان شقایق رفتیم. عامل جنایت و دو دوستش هم آمده و همگی مست بودند. مقتول سمت یکی از آنها رفت و خواست که طلبش را بدهد که آن مرد با وی درگیر شد. او با چاقو مرد جوان را زخمی کرد. بعد ما فرار کردیم و به ایستگاه پلیس رفته و ماجرا را خبر دادیم. وقتی به محل درگیری آمدیم، اورژانس دوستمان را با خود برده بود.

این در حالی بود که دو دوست مقتول که شاهد ماجرا بودند نیز گفته‌های مشابهی را مطرح کردند. تحقیقات برای دستگیری متهم به قتل و دو همدست فراری‌اش ادامه دارد.

سرقت بسته ۲۳ هزار دلاری از شاگرد راننده

محموله ۲۳ هزار و ۵۰۰ دلاری مرد باغدار که قرار بود برای فروش به تهران و نزد دوستش برسد از سوی دو سارق قمه به دست سرقت شد. راننده اتوبوس به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چند روز پیش مردی با حضور در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایتی مطرح کرد مبنی بر این‌که محموله دلارهایش سرقت شده است.

با دستور بازپرس رسولی، تحقیقات ماموران پلیس آگاهی برای دستگیری سارقان و رازگشایی از محموله سرقتی آغاز شد. شاکی به افسر تحقیق گفت: در شهر دره‌گز باغداری می‌کنم و محصولات باغم را به کشورهای همسایه صادر می‌کنم از چندی پیش تصمیم گرفتم در خرید و فروش دلار هم سرمایه‌گذاری کنم. دوستم در تهران کارش خرید و فروش دلار بود؛ دلارهایی که می‌خریدم را از طریق رانندگان اتوبوس بین‌شهری، به تهران و نزد دوستم ارسال می‌کردم و وی بعد از فروش، پول آن را به حسابم واریز می‌کرد.

وی افزود: قرار شد ۲۳ هزار و ۵۰۰ دلار را دوباره از طریق راننده‌ای که از شهرمان به تهران می‌آمد، برایش ارسال کنم. زمانی که با راننده حرف زدم، او گفت که بسته را از طریق شاگردش به او رسانده است. برای اطمینان بیشتر با دوستم تلفنی حرف زدم که متوجه شدم بسته دلار به دستش نرسیده است بعد متوجه شدم شاگرد راننده و پیک موتوری در کلانتری هستند. سارقان قمه به دست به آنها حمله کرده و محموله را دزدیده بودند.

همزمان با احضار راننده، او به افسر تحقیق گفت: قرار بود که خودم محموله دلار را به دوست شاکی تحویل دهم، اما خودرویم خراب شد و شاگردم را به جای خودم فرستادم و در این ماجرا نقشی نداشتم.

در ادامه ماموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد راننده اتوبوس روز حادثه خودرویش خراب نبوده و آن را به تعمیرگاه نبرده است، بلکه به خانه زن مورد علاقه‌اش در یکی از محله‌های تهران رفته و همیشه درباره دلار و پولدار شدن برای او حرف می‌زده و حتی شبی که به خانه این زن رفته با خودش مقداری دلار همراه داشته است. همین سرنخ‌ها کافی بود که راننده اتوبوس به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شود.

کشتن پدر در مراسم آشتی‌کنان

زن میانسال در جلسه محاکمه مدعی شد ناخواسته مرتکب قتل پدرش شده است

زن میانسال وقتی فهمید پدرش بعد از صیغه کردن یك زن جوان، مادرش را از خانه بیرون کرده، وی را با ضربات چاقو کشت. وی دیروز در حالی که اشك می‌ریخت پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش جام‌جم، یکم اسفند سال ۹۵ به پلیس ۱۱۰ خبر رسید یك مرد ۷۰ ساله به نام مرتضی در خانه‌اش در غرب تهران با ضربات چاقو کشته شده است. پلیس راهی خانه پیرمرد شد و دریافت وی به دست دختر بزرگش، شیما ۵۰ ساله کشته شده است. در حالی که تحقیقات در این زمینه آغاز شده بود، شیما به اداره آگاهی رفت و تسلیم پلیس شد. وی قتل را گردن گرفت و به بازسازی صحنه جرم پرداخت. زن میانسال دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه سه خواهر شیما در جایگاه ویژه ایستادند و برای وی حکم قصاص خواستند. وقتی شیما ۵۰ ساله در جایگاه ویژه ایستاد گفت: من متاهل و صاحب سه فرزند هستم. همیشه رابطه خوبی با پدرم داشتم و حتی شب قبل از این ماجرا پدرم یك پیراهن که از قشم برایم خریده بود به من هدیه داد. من هم یك ادکلن به او دادم. آن روز برای خانه پدرم خرید کرده بودم و سپس به باشگاه رفتم. می‌خواستم بعد از باشگاه به خانه پدرم بروم. وقتی از باشگاه بیرون آمدم، متوجه شدم مادرم بارها با گوشی تلفن همراهم تماس گرفته است. وقتی به او زنگ زدم، گفت بار دیگر با پدرم درگیر شده و پدر او را از خانه بیرون کرده است. من به خانه پدرم رفتم تا آنها را آشتی دهم و وسایلی را که برای خانه خریده بودند به آنها بدهم.

وی ادامه داد: من وقتی به خانه آنها رسیدم، پدرم به محض دیدن من شروع به فحاشی کرد. او می‌گفت من مقصر هستم که دفعه قبل که مادرم قهر کرده بود، واسطه شدم و او را به خانه برگرداندم. پدرم به صورتم سیلی زد و ناسزا گفت. من به طبقه سوم رفتم تا او شاید آرام‌تر شود. اما چند دقیقه بعد پدرم به طبقه سوم آمد و مرا هل داد. در آن لحظه کیفم روی زمین افتاد و همه وسایلی را که برای آنها خریده بودم روی زمین ریخت. برای خانه پدرم دو چاقو آشپزخانه هم خریده بودم. چاقوها را از روی زمین برداشتم و به سوی پدرم برگشتم که همان موقع پدرم به سمتم حمله کرد و در آن میان چاقو به سینه و گردن او برخورد کرد. من قصد کشتن پدرم را نداشتم.

وی درباره علت عصبانیت پدرش به قضات گفت: پدرم مدتی بود با زن جوانی آشنا شده و او را صیغه کرده بود. او می‌گفت با زن جوان خوشبخت است و نمی‌خواهد زندگی‌اش را با مادرمان ادامه دهد.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

تلنگر

تمساح دست دختر روستایی را قطع کرد

دختر خردسال با نزدیك شدن به برکه محل زیست تمساح در روستای کشاری از توابع سرباز مصدوم شد.

حوا رئیسی، دختر حدود ده ساله اهل روستای مولاآباد کشاری از توابع شهرستان سرباز در پایین دست سدپیشین رودخانه باهوکلات همراه خانواده با هدف برداشت آب و شست‌وشوی ظروف عصر جمعه به رودخانه رفته و در کنار آب مشغول بازی بود که طعمه تمساح پوزه کوتاه شد. پس از حمله تمساح بلافاصله همراهان وی و به‌ویژه خواهرش با چوب و سنگ به تمساح حمله‌ور شده و پس از چندین دقیقه جدال با گاندو، از انتقال کودك به داخل آب جلوگیری کرده و این دختر را از دهان این حیوان نجات دادند.

مردی سر همسرش را برید

مرد ۶۲ ساله در زاهدان بعد از درگیری با همسرش او را به قتل رساند و سرش را برید.

به گزارش جام‌جم، سردار محمد قنبری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در این‌باره گفت: قتل زنی سالخورده در یکی از خیابان‌های زاهدان به پلیس گزارش شد. ماموران پلیس آگاهی برای ادامه تحقیقات در محل حادثه حاضر شدند. در جریان بررسی‌های اولیه مشخص شد مرد ۶۲ ساله‌ای با یك قبضه چاقو سر همسر ۶۱ ساله‌اش را بریده و در گوشه‌ای از خانه نشسته و گریه می‌کند. پسر ۳۲ ساله این زوج سالخورده که موضوع را به پلیس گزارش داده بود، اعلام کرد زمانی که برای سرکشی از والدین به خانه آنها رفته با این صحنه هولناك روبه‌رو شده و پلیس را خبر کرده است. در ادامه تحقیقات از فرزند این زوج سالخورده مشخص شد پدرش ناراحتی اعصاب و روان داشته و مدت‌هاست دارو مصرف می‌کرده است.

حمله ۳ دختر به روحانی جوان

یك روحانی کرجی جمعه شب توسط ۹ نفر مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

به گزارش ایلنا، ساعت ۲۳ جمعه ۲۸ تیر امسال در یك بستنی‌فروشی ابتدای جاده خوشنام مشکین‌دشت کرج، ۹ جوان که سه نفر از آنها دختر بوده و به گفته شاهدان حالت طبیعی نداشتند، هنگام مواجه شدن با این طلبه وی را مورد تمسخر قرار می‌دهند. طلبه جوان، با بی‌توجهی از کنار آنها عبور می‌کند و با اصرار به فحاشی اراذل، آنها را نهی از منکر می‌کند که به درگیری آنها با طلبه جوان منجر می‌شود و به گفته شاهدان عینی ماجرا، دختران نیز از خودروهای خود قمه و لوله آورده و به اراذل داده‌اند تا او را بزنند. تحقیقات پلیس ملارد درباره این پرونده آغاز شده است. روحانی زخمی هم در بیمارستان بستری شد.

خواستگاری برای سرقت طلا

سه عضو یك باند که در قالب خواستگاری به خانه‌های مردم رفته و بعد از بستن دست و پای صاحبخانه‌ها طلاهایشان را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند.

سرهنگ رضا اصلانی‌فر، فرمانده انتظامی مراغه به سایت پلیس گفت: گزارشی در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت مبنی براین‌که فردی به‌عنوان خواستگار به خانه شاکی آمده و در یك فرصت مناسب مرد خواستگار و دو همدستش، اعضای خانواده را با چاقو تهدید کرده و بعد از بستن دست و پای آنها طلاهای خانم‌های خانه را دزدیده و فرار کرده‌اند. پرونده‌ای در این‌باره تشکیل و تحقیقات برای دستگیری سارقان آغاز شد. متهمان تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و بازداشت شدند. سارقان در بازجویی پلیسی اعتراف کردند که به بهانه خواستگاری به خانه این شاکی و افراد دیگری هم رفته و بعد از بستن دست و پای اعضای خانواده طلا و اموال قیمتی آنها را سرقت کرده‌اند. متهمان تاکنون اعتراف کردند ارزش اموال سرقتی صدمیلیون تومان بوده است.